

ماده مصور در کتابشناسی ملی ایران و مارک ایران

دکتر مرتضی کوکبی^۱

چکیده: این مقاله دربارهٔ فهرست توصیفی تصاویر در کتاب‌های فارسی است. قواعد فهرست‌نویسی انگلومریکن در مواردی با قواعد کتاب دستنامه فهرست‌نویسی توصیفی و روش به کار رفته در کتابشناسی ملی در فهرست توصیفی تصاویر، هماهنگی ندارد. این مقاله ضمن بررسی موارد ناهماهنگی، به یکدستی و هماهنگی کار تأکید می‌کند تا زمینه برای ماشینی کردن اطلاعات مربوط به تصاویر در مارک ایران آماده شود و پیشنهادهایی در این زمینه ارائه می‌دهد.

کلیدواژه‌ها: مارک ایران، کتابشناسی ملی ایران، دستنامه قواعد فهرست‌نویسی، ماده مصور، تصاویر، فهرست‌نویسی، قواعد انگلومریکن

مقدمه

یکی از موارد ناهماهنگی در فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی، چگونگی توصیف تصاویر کتاب در دست فهرست‌نویسی است. روشی که در کتابشناسی ملی ایران برای ارائهٔ تصاویر به کار می‌رود با روش پیشنهادی کتاب قواعد فهرست‌نویسی انگلومریکن (۲) تفاوت‌هایی دارد. برخی کتاب‌هایی که دربارهٔ فهرست‌نویسی نوشته شده‌اند نیز با روش ارائهٔ این اطلاعات متفاوت برخورد کرده‌اند. با توجه به اینکه دستنامهٔ مارک ایران (۳) در پاییز ۱۳۸۱ منتشر شد و این

واقعیت که پیاده‌سازی مارک ایران که تشکیل شبکهٔ کتابشناختی ملی را تولید می‌دهد نیازمند وجود یک فهرست‌نویسی استاندارد در سطح کشور است؛ نوشتهٔ حاضر بر آن است تا با عنایت به ماشینی کردن اطلاعات مربوط به تصاویر در مارک ایران، وضعیت موجود را بررسی کند و در حد امکان برای یکدستی بخشی از فهرست‌نویسی انتشارات ایرانی از این منظور، تلاش نماید. برای انجام این منظور، نخست قواعد مربوط به

۱. عضو هیئت علمی گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی دانشگاه شهید چمران اهواز

25C2 قواعدی هستند که برای توصیف تصاویر موجود در یک تکنگاشت به کار می‌روند. قاعدهٔ 25C1 برای توصیف تکنگاشت مصوّر، چنین دستور می‌دهد: "تکنگاشت چپای مصوّر را با واژهٔ مصوّر توصیف کنید مگر آنکه تمام تصاویر از یک یا چند نوع ویژه که در بند [پاراگراف] بعد اشاره شده است باشد. اگر تنها برخی از تصاویر متعلق به این انواع باشد ابتدا واژهٔ مصوّر را بیاورید. جدول‌ها در زمرهٔ تصاویر محسوب نمی‌شوند. صفحه‌های عنوان مصوّر و تصاویر جزئی (تزیینات، شکل‌ها و جز آن) را نادیده بگیرید." بند (یا پاراگراف) مورد اشاره در قاعدهٔ 25C1، قاعدهٔ 25C2 به شرح زیر است: "در صورتی که تصویرها از یک یا چند نوع زیر دارای اهمیت باشند آنها را با اصطلاح یا نشانهٔ اختصاری مناسب (به ترتیب زیر) مشخص کنید: نمودار، نشان دولتی یا خانوادگی، چاپ عکسی، شکل، جدول‌های شجرنامه‌ای [تبارشناختی]، نقشه، موسیقی، طرح [د] تصاویر، [!] [عکس] اشخاص (هم برای تصویرهای فردی و هم تصویرهای جمعی)، نمونه [د] انواع دیگر را با واژهٔ مصوّر مشخص کنید."

با توجه به دو قاعدهٔ بالا مشخص می‌شود که تصاویر موجود در یک کتاب از سه گروه زیر خارج نیستند:

۱. یا به هیچ کدام از انواع مندرج در قاعدهٔ 25C2 تعلق ندارند. در این حالت، فقط از کلمهٔ "مصوّر" برای توضیح تصاویر کتاب استفاده می‌شود مانند: 25F ص. مصوّر.

۲. یا صرفاً به یک یا چند یا همگی انواع مندرج در قاعدهٔ 25C2 تعلق دارند. در این حالت، انواع تصاویر موجود به ترتیبی که در این قاعده اشاره شده است ارائه می‌شوند مانند: 25E ص. نمودار، چاپ عکسی،

تصاویر، در کتاب‌های مربوط بررسی خواهند شد و بر مبنای این بررسی، روشی مناسب برای ارائهٔ اطلاعات مربوط به تصاویر در فهرستبرگه‌های کتابشناسی ملی ایران پیشنهاد خواهد شد و سرانجام، با بررسی قالب مارک ایران در این زمینه، تغییرات لازم، خواه در قواعد

نوشتۀ حاضر در آن است تا با عنایت به ماشینی‌کردن اطلاعات مربوط به تصاویر در مارک ایران، وضعیت موجود را بررسی کند و در حد امکان برای یکدستی بسطی از فهرست‌نویسی انتشارات ایرانی از این منظر، تلاش نماید.

فهرست‌نویسی مورد استفاده در کتابشناسی ملی و خواه در مارک ایران پیشنهاد می‌شود. نمونه‌هایی که در این نوشته دربارهٔ مارک ایران ارائه می‌شود از دستنامهٔ مارک ایران استخراج شده است. لازم به ذکر است که به دلیل اشارهٔ مکرر به کتاب‌های قواعد فهرست‌نویسی انگلومریکن و دستنامهٔ قواعد فهرست‌نویسی (۱) در مقاله، از این پس، به این دو به ترتیب با عبارات انگلومریکن و دستنامه استناد خواهد شد. همچنین دستنامهٔ مارک ایران نیز به اختصار، مارک ایران نامیده خواهد شد.

قواعد مربوط به تصاویر در انگلومریکن

در انگلومریکن، گروه قواعد 25C به مادهٔ مصوّر اختصاص دارد. دو قاعدهٔ اول این گروه یعنی 25C1 و

موسیقی.

شده‌اند. اگر توضیحات فوق پذیرفته شود می‌توان ترتیب و کلمات زیر را برای ارائه تصاویر یک کتاب، پیشنهاد نمود:

مصور، نمودار، نشان دولتی یا خانوادگی، چاپ، عکسی، فرم، شجره‌نامه (یا نسب‌نامه، یکی از این دو)، نقشه، موسیقی، طرح، عکس، نمونه، بدیهی‌ست که تعداد و انواع تصاویر برای هر کتاب در دست فهرستوسی، مشمول یکی از سه حالتی‌ست که در بالا ذکر شد.

قواعد مربوط به تصاویر در دستنامه

در دستنامه نیز که: "... حاصل تصمیمات مربوط به ضوابط و قواعد فهرستوسی کتاب‌های فارسی و صریح، اردو و غیره از سال ۱۳۴۸ تا پایان ۱۳۷۴ است" و به نظر می‌رسد برای فهرستوسی در کتابخانه ملی استفاده می‌شود؛ مجموعه قواعد 25C به "اطلاعات مربوط به تصویر" اختصاص داده شده است. قاعده 25C1 در این گروه قواعد چنین است: "چنانچه اثری دارای تصویرهای متعددی باشد از واژه مصور استفاده کنید. ابهامی که در این قاعده وجود دارد این است که منظور از کلمه متعدد مشخص نیست. آیا منظور، تعداد زیادی از تصاویر یکسان است یا تعداد زیادی از تصاویر متنوع؟ قاعده 25C2 نیز ابهامات خاص خود را دارد. در این قاعده نوشته شده است که: "در صورتی که تصویرها از یک یا چند نوع و دارای اهمیت باشند، آنها را با ذکر مشخصات خود بعد از واژه مصور بیاورید." منظور از یک یا چند نوع در این قاعده چیست؟ ادامه قاعده 25C2 نیز که به صورت زیر است "در صورتی که تعدادی از صفحه‌ها دارای عکس اشخاص (تصویرهای فردی یا تصویرهای جمعی) باشد از واژه تصویر استفاده کنید." نیز با آنچه در

3. یا به حالت‌های اول و دوم به‌طور مشترک تعلق دارند. در این حالت، ابتدا کلمه "مصور" و سپس نام هر یک از انواع موجود در قاعده 25C2 به ترتیب مذکور در این قاعده آورده می‌شود مانند: ۶۲۵ ص: مصور، نمودار، نقشه، طرح.

نکته‌ای که در اینجا بهتر است درباره آن بحث شود این است که اصطلاحات به کار رفته برای انواع تصاویر در قاعده 25C2 ترجمه معادل‌های انگلیسی همین اصطلاحات است که در قاعده مشابه در متن انگلیسی انگلوامریکن وجود دارد. این اصطلاحات که در قاعده انگلیسی به ترتیب الفبای انگلیسی مرتب شده‌اند عبارتند از:

Chart, Coat of Arms, Facsimile, Form, Geneological

Tables, Map, Music, Plan, Portrait, Sample

به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در قاعده 25C معادل "Form"، "شکل"، معادل "Geneological Tables"، "جدول‌های شجره‌نامه‌ای" (تبارشناختی) و معادل "Portrait"، "تصاویر (عکس) اشخاص" ترجمه شده است؛ اما Form را در زبان فارسی شکل نمی‌نامند. فرم انتخاب واحد یا ناموسی یا درخواست کار را "شکل انتخاب واحد یا ناموسی یا درخواست کار" نمی‌نامند، بلکه "فرم" می‌نامند. جدول‌های شجره‌نامه‌ای یا تبارشناختی نیز معمولاً در فارسی "شجره‌نامه" یا "نسب‌نامه" نامیده می‌شود. عکس‌های فردی و گروهی نیز در زبان فارسی تصویر نامیده نمی‌شود، "عکس" که در زبان فارسی گاه "پرتوه" نامیده می‌شود، تصویر صرف نیست بلکه مشخصاً به تصویری اطلاق می‌شود که در آن، فردی در جلوی دوربین، حالت گرفته و آماده عکس‌برداری شده یا در آن گروهی در برابر دوربین، آماده عکس‌برداری

فیلد ثبت می‌شود. یکی فیلد 105 به نام "فیلد داده‌های کد شده: تک نگاشت‌ها" که از فیلدهای بلوک اطلاعات کد شده است. دیگری فیلد 215 به نام "مشخصات ظاهری" که در "بلوک اطلاعات توصیفی" قرار دارد و اطلاعات مربوط به تصاویر را در فیلد فرعی 8C به نام "سایر جزئیات" جای می‌دهد و دیگری فیلد 307 به نام "یادداشت‌های مربوط به مشخصات ظاهری اثر" که در آن، هر یک از جزئیات مربوط به مشخصات ظاهری که جایی در فیلد 215 ندارد، وارد می‌شود.

فیلد 105، سیزده جایگاه نویسه‌های دارد که چهار جایگاه نویسه‌های "صفر تا سه" آن به کدهای تصویر اختصاص داده شده است. شانزده کد برای پر کردن این چهار جایگاه در مارک ایران پیشنهاد شده است. این کدها به ترتیبی که در مارک ایران آمده‌اند ارائه می‌شوند و برای درک بهتر مطلب، معادل‌های آنها از انگلومریکن نیز در صورتی که وجود داشته باشند در این نوشته در برابر هر یک خواهد آمد:

"a - تصویرها. کد a را برای تصاویری به کار برید که در زیر به آن اشاره نشده باشد، مثل دیگرامها، نگاره‌ها یا شکل‌های تصویری دیگری که در اینجا ذکر نشده باشد." معادل کلمه "مصور" در انگلومریکن است.

"b - نقشه‌ها." معادل "نقشه" در انگلومریکن است.
"c - عکس چهره (پرتوه) دسته جمعی یا انفرادی." معادل "عکس" (پیشنهادی در این نوشته) و "تصاویر [عکس]" در انگلومریکن است.

"d - نقشه‌های دریاوردی (چارت‌ها)." چارت در انگلومریکن نمودار ترجمه شده است. در کتابخانه ملی این نکته باید روشن شود که اگر در کتابی نمودار وجود داشته باشد با توجه به اینکه در مارک ایران کدی برای نمودار در نظر گرفته نشده است باید از چه کدی استفاده

قاعده مشابه در انگلومریکن آمده، متفاوت است زیرا در آنجا برای چنین تصاویری، واژه عکس نیز در قلاب پیشنهاد شده است. در قواعد مربوط به تصویر در این کتاب، قاعده خاصی برای ترتیب ارائه تصاویر وجود ندارد و به نظر می‌رسد که این کتاب، بیشتر تابع روش مورد استفاده در کتابشناسی ملی است. مثال‌های زیر این دو قاعده نیز در این مورد، آموزشی نمی‌دهد و مشخص نمی‌کند که اگر کتابی برای مثال دارای نمودار، نمونه، و نقشه بود در فهرستبرگه این کتاب، این تصاویر به چه ترتیبی باید ارائه شوند. سرانجام، علی‌رغم اینکه در قاعده 25C1 در کتاب انگلومریکن صراحتاً قید شده که "جدول‌ها در زمره تصاویر محسوب نمی‌شوند" در مثال‌های دستنامه، جدول‌ها جزو تصاویر ذکر شده‌اند. شایان ذکر است که در صفحات ۱۲ و ۱۳ این کتاب، درباره شیوه استفاده از این کتاب نوشته شده است: "اصول کلی استفاده از این دستنامه همانند ویرایش دوم انگلومریکن (چاپ ۱۹۸۸) است و آنان که با قواعد انگلومریکن به‌طور کلی آشنایی دارند قاعده‌تاً نیاید [باید] مشکلی در به‌کار بردن این قواعد داشته باشند. در این دستنامه سعی شده است تا شماره‌های قواعد با شماره‌های قواعد ویرایش دوم انگلومریکن تطبیق داشته باشد تا فهرست‌نویسان که از قواعد انگلومریکن، برای فهرست‌نویسی کتاب‌های فارسی و لاتین استفاده می‌کنند دچار اشکال نشوند." به این ترتیب، علی‌رغم این پابندی اظهار شده به انگلومریکن، همان‌گونه که مشاهده شد در مواردی این پابندی مراعات نشده است.

چگونگی ضبط تصاویر در مارک ایران

در مارک ایران، اطلاعات مربوط به تصاویر در سه

۳ - مواد شنیداری مثلاً یک دیسک شنیداری که در جوف کتاب باشد. در انگلوامریکن معادلی برای این کد وجود ندارد.

۴ - مواد شفاف (ترانس پرانسی‌ها) مثلاً مجموعه‌ای از مواد شفاف درون پاکتی که به کتاب چسبیده باشد. در انگلوامریکن معادلی برای این کد وجود ندارد.

۵ - تذهیب. در انگلوامریکن اگر تذهیب جزء تزئینات به حساب آید مطابق قاعدهٔ 25C1 یعنی "صفحات عنوان مصور و تصاویر جزئی (تزئینات، شکل‌ها و جزآن) را نادیده بگیرید." نباید تصویر حساب شود.

۶ - بدون تصویر فقط یکبار استفاده می‌شود: ۲###. در انگلوامریکن نوشتن واژهٔ "مصور" یا هر یک از انواع مذکور در قاعدهٔ 25C2 نشان دهندهٔ این است که کتاب، فاقد تصویر است.

۷ - نیازی به تعیین کد ندارد.

آنچه در اینجا باید به آن توجه شود این است که در این قسمت، مهم نیست که چه کلمه یا عبارتی برای تصاویر به کار برده می‌شود، زیرا تصاویر به صورت رمز در فیلد 105 وارد می‌شوند، اما هماهنگ شدن اصطلاحات در این فیلد و انگلوامریکن به‌طور کلی در کتابشناسی ملی ایران، میزان ابهام فهرست‌نویس را به هنگام وارد ساختن رمزهای تصویر در کار برگهٔ مارک ایران به کمترین میزان می‌رساند.

در فیلد فرعی 5c از فیلد 215 نیز اطلاعات مربوط به تصویر جای داده می‌شود. دو مثال زیر برای روشن شدن مطلب، از مارک ایران ارائه می‌شود:

مصور، نقش 5c ۶۰ برگ، ۵۵۹ ص. ##5a 215

۱۴/۱۰۵ ص. م. 5d مصور، نقش، نمونه 5c شازده،

۲۳۷ ص. ##5a 215

کرد؟ آیا با توجه به تعریفی که برای تصویرها در کد 5 شده است باید از این کد استفاده کرد؟

۵ - طرح‌ها (پلان‌ها) مثلاً طرح‌ها و نقشه‌های کف داخلی ساختمان. معادل این کد در انگلوامریکن، "طرح" است.

۶ - لوحه‌ها (گواروها) برگ مصوری که ممکن است زیرنویس توضیحی داشته باشد یا نداشته باشد. این برگ شمارهٔ صفحه ندارد و جزء صفحه‌شمار کتاب نیز منظور نمی‌شود. در انگلوامریکن لوحه‌ها جزء تصاویر به حساب نیامده‌اند. تعداد لوحه‌ها در صفحه‌شمار ذکر می‌شود اما نوع تصاویری که بر روی آنها وجود دارد، لزوماً جزء اتوامیست که در قاعدهٔ 25C2 به آنها اشاره شده است.

۸ - موسیقی تک‌نگاشت موسیقایی. برای منابع شنیداری که همراه این تک‌نگاشت است از کد "۳" استفاده کنید. در انگلوامریکن کلمهٔ "موسیقی" معادل این کد است.

۹ - نسخه مطابق با اصل (فاکسی مایل) باز تکثیر تمام یا بخشی از یک اثر که نه تنها عیناً مطابق متن اصلی است بلکه شکل ظاهری اثر را هم عیناً حفظ می‌کند. معادل این کد در انگلوامریکن "چاپ عکسی" است.

۱۰ - جدول‌های تبارشناختی (شجره‌نامه‌ها). معادل این کد در انگلوامریکن "جدول‌های شجره‌نامه‌ای [تبارشناختی] گرفته شده اما معادل پیشنهادی در این نوشته، یکی از دو معادل "شجره‌نامه" یا "نسب‌نامه" است.

۱۱ - فرم‌ها. معادل این کد در انگلوامریکن "شکل" گرفته شده اما معادل پیشنهادی این نوشته "فرم" است.

۱ - نمونه‌ها. در انگلوامریکن معادل این کد "نمونه" است.

مطالب دیگر اختصاص دارد. ترتیب ارائه کدها نیز بر خلاف انگلومریکن، ترتیب الفبای انگلیسی نیست: تصویرها، نقشه‌ها، عکس چهره (پرتره)، نقشه‌های دریاوردی (چارت‌ها)، طرح‌ها (پلان‌ها)، لوحه‌ها (گراورها)، موسیقی، نسخه‌مطابق اصل (فاکسی مایل)، جدول‌های تبارشناختی (شجره‌نامه‌ها)، فرم‌ها، نمونه‌ها، مواد شنیداری، مواد شفاف (ترانس پراتسی‌ها)، تذهیب، بدون تصویر، نیازی به تعیین کد ندارد. از تفاوت‌هایی که تصاویر در مارک ایران با تصاویر در انگلومریکن دارد یکی این است که ترتیب ارائه تصاویر در فیلد 105 از مارک ایران با انگلومریکن متفاوت است. دوم اینکه در انگلومریکن، نمودار [چارت] اگرچه هم به صورت "ورقی تیره که اطلاعات را به شکل گرافیکی یا جدول‌وار نشان می‌دهد، مثل نمودار دیواری" و هم به شکل "در جغرافیا، نقشه‌ای با منظور خاص که عموماً برای استفاده دریاوردان طراحی شده باشد (مثل نمودار هوایی، نمودار دریایی)، هر چند این کلمه برای نشان دادن دیگر انواع نقشه‌ها یا منظور خاص هم به کار می‌رود مثل نمودار آسمانی (یعنی نقشه ستارگان)" (۸۷۲:۲-۸۷۳) اما به نظر می‌رسد که معمولاً در فهرست‌نویسی انتشارات ایرانی در معنای اول به کار می‌رود. سوم اینکه در انگلومریکن، لوحه‌ها، مواد شنیداری، و مواد شفاف جزء تصاویر به حساب نمی‌آیند. در مارک ایران نیز جدول‌ها جزء تصاویر به‌شمار نیامده‌اند. همچنین "شان خانوادگی" در فهرست تصاویر مارک ایران دیده نمی‌شود.

با توجه به آنچه در بالا آمد تصاویر مندرج در سه مثالی که در آغاز این نوشته براساس انگلومریکن ارائه شد در فیلدهای 105 و 215 به‌صورت زیر ضبط می‌شود (ترتیب ارائه تصاویر، مطابق با انگلومریکن و نه

همان طوره که قبلاً نیز ذکر شد، فیلد 307 که شامل یادداشت‌های مربوط به مشخصات ظاهری اثر است فقط زمانی به کار می‌رود که اطلاعاتی مربوط به تصاویر وجود داشته باشد و نتوان آن را در فیلد 215 جای داد مانند:

یک رشته اسلاید در جیب کتاب وجود دارد #3a

307

با بررسی فیلد 105 مشاهده می‌شود که در برابر بازده نوع تصویر در انگلومریکن، شانزده کد در مارک ایران وجود دارد. دو گروه تصاویر که در زیر با یکدیگر مقایسه شده‌اند، نکاتی را نشان می‌دهند که با توجه به اجرا شدن مارک ایران در آینده نزدیک، می‌تواند حائز اهمیت باشد.

همان‌گونه که مشاهده شد ترتیب ارائه تصاویر در انگلومریکن، با توجه به تغییراتی که برای نام برخی از آنها در این نوشته پیشنهاد شده، چنین است: مصوّر، نمودار، نشان دولتی یا خانوادگی، چاپ عکسی، فرم، شجره‌نامه (یا نسب‌نامه، یکی از این دو)، نقشه، موسیقی، طرح، عکس، نمونه. شایان ذکر است که از "شان دولتی یا خانوادگی"، تا آنجا که نگارنده می‌داند تاکنون در فهرست‌نویسی انتشارات ایرانی استفاده نشده است زیرا بیشتر مربوط به خاندان‌های اشرافی اروپاست و امکان دارد فقط در آثار ترجمه شده‌ای درباره این خاندان‌ها یافت شود. "نمونه" نیز در مواردی به کار می‌رود که نمونه‌ای واقعی از شیء یا ماکس از یک شیء در کتاب وجود داشته باشد. "جدول" نیز در زمره تصاویر به حساب نیامده است.

ترتیب کدهای مارک ایران در فیلد 105 به شرح زیر است اما آنچه در اینجا باید به آن توجه شود این است که از سیزده جایگاه نویسه‌ای این فیلد، حداکثر چهار کد را می‌توان برای تصاویر به کار برد و بقیه جایگاه‌ها به

۱۵۲ ص: مصور، جدول، نمونه

۵۲۵ ص: مصور، نقشه*

همان گونه که از مقایسه قواعد مربوط به تصویر در انگلوسریکن با قواعد مشابه در دستنامه مشاهده می‌شود، در دستنامه اقدامات زیادی وجود دارد. در ابتدا عبارت 'از یک یا چند نوع' مبهم است. این انواع کدامند و چه تفاوتی با تصاویری که با کلمه مصور توصیف می‌شوند، دارند؟ دوم اینکه ترتیب تصاویر معلوم نیست. اگر کتابی همزمان دارای جدول، نمونه، نمودار، و نقشه باشد آنها را به چه ترتیبی باید توصیف کرد؟ سوم اینکه تصاویر دیگری مانند چاپ عکسی، فرم، نشان‌های خانوادگی و غیر آنها چه نامیده و به چه ترتیب ارائه می‌شوند؟ و چهارم اینکه معلوم نیست درحالی‌که انگلوسریکن، جدول را تصویر به حساب نمی‌آورد، چرا در اینجا جدول جزء تصاویر به حساب آمده است.

* در صورتی که تعدادی از صفحه‌ها دارای عکس اشخاص (تصویرهای فردی یا تصویرهای جمعی) باشد از واژه تصویر استفاده کنید.

۱۸۰ ص: [۵۰] ص: تصویر*

این قاعده نیز ابهامات خود را دارد. اگر برای عکس اشخاص باید از کلمه تصویر استفاده کرد پس واژه عکس که در شرح تصویر برخی از کتاب‌ها در کتابشناسی ملی آمده است در چه مواردی استفاده شده است. مشابه مثالی که در زیر این قاعده آمده است، در زیر قاعده 25C8 در انگلوسریکن آمده که به شرح زیر است:

* 25C8 در صورتی که قواعد 25C1 تا 25C7 برداشت گمراه کننده‌ای درباره نسبت میان تصویرها و متن ایجاد کند، شرح‌های صفحه‌شمار و ماده مصور را با هم بیاورید.

74 p. of Ill., 15 p.

74 p. 15 leaves of Ill.

دستنامه و کتابشناسی ملی ست): ۲۵۶ ص: مصور

105 ##\$aa###

مصور 2۵۶ \$c ص. ##\$a 215

۳۲۵ ص: نمودار، چاپ عکسی، موسیقی

105 ## \$adgh

نمودار، چاپ عکسی، موسیقی \$c ۳۲۵ ص. 215

\$a

۶۲۵ ص: مصور، نمودار، نقشه، طرح

105 ## \$aabde

مصور، نمودار، نقشه، طرح \$c ۶۲۵ ص. ##\$a 215

بررسی چند نمونه از توصیف تصاویر در کتابشناسی ملی ایران

بررسی چند نمونه از دو شماره کتابشناسی ملی نشان می‌دهد که ناهماهنگی‌هایی در توصیف تصاویر در این کتابشناسی دیده می‌شود، اما پیش از پرداختن به این نمونه‌ها شاید بررسی قواعد مربوط در انگلوسریکن و دستنامه به درک بهتر مطلب کمک کند. در اینجا نخست برخی قواعد مربوط به تصویر در دستنامه عیناً نقل می‌شود و هر جا که لازم باشد نگارنده آن را نقد و بررسی می‌کند.

* 25C اطلاعات مربوط به تصویر

25C1 چنانچه اثری دارای تصویرهای متعدد باشد از واژه مصور استفاده کنید.

۳۲۵ ص: مصور

25C2 در صورتی که تصویرها از یک یا چند نوع و دارای اهمیت باشند، آنها را با ذکر مشخصات خود بعد از واژه مصور بیاورید.

۲۵ ص: مصور، جدول

۱۲۵ ص: مصور، جدول، نمودار

ترتیب خاصی برای تصاویر پیشنهاد نشده است بنابراین، دربارهٔ درستی یا نادرستی ترتیب این تصاویر بر مبنای دستنامه نمی‌توان قضاوتی انجام داد. دو مثال دیگر دو همین شماره از کتابشناسی ملی عبارتند از: مصوّر (بخشی رنگی)، نقشه، جدول، نمونه، عکس، نمودار. ترتیب پیشنهادی انگلومریکن برای این تصاویر چنین است: مصوّر (بخش رنگی)، نمودار، نقشه. در مثال سوم از همین شماره کتابشناسی ملی، شرح تصویری به این شرح دیده می‌شود: مصوّر، نقشه، نمونه، عکس، نمودار. این ترتیب نیز مطابق انگلومریکن باید به این صورت باشد: مصوّر، نمودار، نقشه، عکس، نمونه.

در صفحات ۵۰۳، ۵۱۲، ۵۲۲، ۵۳۰ از شماره ۸۳ شرح تصاویر دیگری نیز دیده می‌شود که بهتر است بررسی شوند. اینها به ترتیب عبارتند از:

۳۰] ص. تصویر، ۹۲۸ ص.: نقشه (رنگی). مطابق قاعده 25C8 از انگلومریکن که در بالا شرح آن آمد، باید صفحه‌شمار و مادهٔ مصوّر با هم آمیخته و به این صورت نوشته شود: ۳۰] ص. نقشه (رنگی)، ۹۲۸ ص. در این حالت نمی‌توان هم شرح صفحه‌شمار داشت هم مادهٔ مصوّر. در دستنامه نیز قاعده یا مثالی برای این مورد وجود ندارد. مقایسهٔ مثال دوم یعنی: "چهارده، ۲۵۲ ص.، ۳۲۱] ص. تصویر: مصوّر، نقشه" با مثال اول، ابهام را بیشتر می‌کند زیرا اگر مثال اول ممکن است این فکر را القاء کند که تصویر با نقشه متفاوت است، پرسشی که به ذهن می‌آید این است که چرا مثال اول، مانند مثال دوم به این صورت نوشته نشده است: ۳۰] ص. تصویر، ۹۲۸ ص.: مصوّر، نقشه (رنگی). به نظر نمی‌رسد تناقض میان این دو مثال توجه منطقی داشته باشد. بررسی و مقایسهٔ دو مثال دیگر یعنی ۳] ص. تصویر، عکس،

که ارتباط چندانی را میان دو قاعده نشان نمی‌دهد. اکنون با توجه به بررسی فوق، چند نمونه شرح تصویر از شماره ۵۱ (نیمهٔ اول سال ۱۳۴۲) و شماره ۸۳ (نیمهٔ اول سال ۱۳۷۲) کتابشناسی ملی ایران با دقت بررسی می‌شود تا میزان انطباق آنها با انگلومریکن و دستنامه روشن شود و مشخص شود که آیا اینها را می‌توان به‌سادگی به‌وسیلهٔ مارک ایران‌کدگذاری کرد یا نه؟ در صفحه ۱۰۵ از شماره ۵۱، شرح تصویری به‌صورت زیر وجود دارد:

"جدول، مصوّر، نقشه" که طبق انگلومریکن باید "مصوّر، نقشه" باشد، اما در هر حال، کلمهٔ مصوّر باید در ابتدا بیاید و طبق دستنامه نیز کلمهٔ مصوّر باید در ابتدا قرار گیرد اما چون در دستنامه ترتیب تصاویر روشن نیست نمی‌توان درستی یا نادرستی ترتیب دو کلمهٔ جدول و نقشه را بر طبق آن معین کرد.

در صفحه ۱۱۰ از شماره ۵۱ نیز دو شرح تصویر به صورت‌های زیر دیده می‌شود:

"مصوّر، عکس، نمونه" و "نمونه، عکس، نمودار". طبق انگلومریکن، اولی درست است اما فقدان یکدستی در دو شرح تصویر را در مورد عکس و نمونه، اگر ناشی از کوتاهی فهرست‌نویس ندانیم می‌توانیم معلول نبودن ترتیب معینی در دستنامه دربارهٔ ترتیب تصاویر بدانیم. همچنین در صفحات ۵۲۲، ۵۲۸ و ۵۳۵ از شماره ۸۳، به ترتیب، مثال‌های زیر دیده می‌شود:

"مصوّر، نمونه، عکس". این ترتیب و ترتیب مثال‌های دیگر در همین صفحه، با ترتیب پیشنهادی انگلومریکن متفاوت است. ترتیب پیشنهادی انگلومریکن برای این تصاویر، عبارت است از: مصوّر، عکس، نمونه. همان‌گونه که در بالا ذکر شد در دستنامه

مانند آن است (مثال‌های ۷، ۸ و ۹). تگوارناپذیر* به این معناست که از این فیلد فرعی برای ثبت اطلاعات مربوط به تصویر، استفاده می‌شود. در زیر، چند مثال از مثال‌های بالا، در این فیلد و فیلد 105 گذاشته می‌شود تا روشن شود که آیا ماشین‌خوان ساختن این اطلاعات به‌سادگی انجام‌پذیر است یا نه؟

مثال "مصور (بخشی رنگی)، نقشه، جدول، نمونه، عکس، نمودار" و شکل تصحیح شده آن یعنی "مصور (بخشی رنگی)، نمودار، نقشه، عکس، نمونه" در فیلد 105 به‌صورت زیر در می‌آیند:

105 #Saabced...

در این حالت، فقط کلمات مصور، نقشه، عکس، و نمودار رمزگذاری شده‌اند زیرا در این فیلد فقط می‌توان چهار نوع تصویر را رمزگذاری کرد و چهار تصویر بالا برحسب اولویت مارک ایران انتخاب شده‌اند. مارک ایران برای جدول، کدی در نظر نمی‌گیرد و نمونه نیز در اولویت‌های آخر است. تنها نکته‌ای که فهرستویس به هنگام کار با کاربرگه مارک ایران باید به آن توجه کند این است که تصاویری افزون بر آنچه در فهرستویسی دستی، تصویر به حساب می‌آید، در مارک ایران تصویر شمرده می‌شود که عبارتند از: لوحه‌ها (گروه‌ها)، مواد شنیداری، مواد شفاف (ترانس پراتسی‌ها)، و تذهیب که باید مورد اعتناء و قرار گیرند و به ترتیب اولویت در چهار جایگاه نویسه‌ای مربوط وارد شوند. مشاهده می‌شود که اختلاف ترتیب تصاویر در کتابشناسی ملی و انگلوامریکن در اینجا تفاوتی ایجاد نمی‌کند، اما در فیلد 215 این ترتیب در بازایی، نقش مؤثری ایفا می‌کند زیرا اگر برای مثال از رایانه بخواهیم که هر چه کتاب مصور است و نمودار، نقشه، عکس، و نمونه نیز دارد بیاید، رایانه به روشی که برای آن در نظر گرفته شده به

[59] ص: نمونه* و [120 ص: 111] ص: تصویر، عکس* با یکدیگر پرسش‌های دیگری مطرح می‌کند. درحالی‌که شرح تصویر در دو حالت اخیر انطباقی با انگلوامریکن ندارد و به‌نظر نمی‌رسد انطباقی با دستنامه نیز داشته باشد زیرا اگر این کار با استناد به قاعده "در صورتی که تعدادی از صفحه‌ها دارای عکس اشخاص (تصویرهای فردی یا تصویرهای جمعی) باشد از واژه تصویر استفاده کنید.

180 ص: [50] ص: تصویر* از دستنامه که در بالا ذکر شد، باشد، آیا این کار نباید در پیوند با تصویر تنها باشد نه تصویر و عکس؟

آیا مارک ایران می‌تواند نمونه‌های بالا را به‌سادگی رمزگذاری نماید؟

همان‌گونه که در بالا ذکر شد در مارک ایران فیلد 215 نیز به مشخصات ظاهری اختصاص دارد. این فیلد دارای چهار فیلد فرعی است که از آن میان، فقط دو فیلد فرعی 5a برای "نام خاص و کمیته اثر" و 5c برای "سایر جزئیات" به کار می‌رود و به بحث این نوشته مربوط است. دو فیلد فرعی دیگر یعنی 5d "ابعاد" و 5e "مواد همراه اثر" در محدوده بررسی این نوشته نیستند. توضیح فیلد فرعی 5a یعنی، "این فیلد فرعی حاوی نام خاص و نوع ماده اثر (مثال ۹) و یا نشان‌دهنده تعداد جلد یا صفحه یا قطعات اثر است (مثال‌های ۱، ۲، ۳، ۴، ۵، ۶)" نشان می‌دهد که این فیلد فرعی برای ضبط آنچه اصطلاحاً صفحه‌شمار نامیده می‌شود به کار می‌رود و توضیح فیلد فرعی 5c نیز که چنین است: "تمام داده‌های مربوط به ظاهر اثر که در جای دیگری از فیلد 215 یا در فیلدهای یادداشت نیامده باشد، در این فیلد فرعی ذکر می‌شود، مثلاً جزئیات تصویری، اینکه اثر رنگی، ناطق و

ص. تصویر، عکس* در کدام یک از فیلدهای فرعی 5c و 5e از فیلد 215 قرار خواهد گرفت.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

همانگونه که در این نوشته مطرح شد نوع و ترتیب ارائه تصاویر در فهرست‌نویسی مندرج در کتابشناسی ملی و دستنامه با مشابه آن در انگلومرینک متفاوت است. همچنین در بالا استدلال شد که دست کم در این موارد انگلومرینک از کتابشناسی ملی و دستنامه یکدست‌تر عمل کرده است. به این دلیل و به دلیل اینکه انگلومرینک مجموعه قواعدی بین‌المللی ست، پیشنهاد می‌شود که در کتابخانه ملی جمهوری اسلام، ایران برای از میان بردن این ناهماهنگی‌ها و ناهماهنگی‌های دیگری که در دستنامه و کتابشناسی ملی دیده می‌شود از انگلومرینک استفاده شود.

از آنجا که در دستنامه، تصاویر به ترتیب و تفصیل انگلومرینک نامگذاری نشده‌اند، کتابخانه ملی باید نام‌های آن دسته از تصاویری را که در انگلومرینک وجود دارند بررسی کند و از طریق مقایسه با نام تصاویر در مارک ایران، سیاهه کاملی از نام‌های تصاویر هم برای فهرست‌نویسی سنتی و هم برای مارک ایران فراهم کند. ترتیب نام‌ها و نوع ارائه تصاویر در کتابشناسی ملی ایران، باید هماهنگ با انگلومرینک و مارک ایران و یکدست باشد و این تصمیمات از راه‌های مقتضی به اطلاع کتابداران و فهرست‌نویسان رسانده شود. این کار باعث می‌شود که فهرست‌نویسان به هنگام ورود داده‌ها به کاربرگه مارک ایران دچار ابهام کمتری شوند.

مدرس‌ان دروس "سازماندهی مواد" از این پس برای هماهنگ کردن فهرست‌نویسی انتشارات ایرانی با مارک ایران، بهتر است انواع تصاویری را که، افزون بر آنچه در

سراخ فیلدهای فرعی 5c از فیلدهای 215 مربوط به همه رکوردهای پایگاه داده‌ها می‌رود و با عبارتی که به او داده‌ایم جستجو را آغاز می‌کند. اگر عبارتهای مندرج در این فیلدهای فرعی، یکسان نباشند یا به سخن دیگر، با عبارتی که برای جستجو به رایانه داده شده متفاوت باشند، رایانه از بازیابی آنها درمی‌ماند و به این ترتیب، بازیابی ناقص خواهد بود.

در صورتی که بخواهیم برخی نمونه‌های دیگر را که در بالا ذکر شد رمزگذاری کنیم با دشواری‌های دیگری روبه‌رو خواهیم شد. برای مثال، ترکیب صفحات و تصاویر در عبارت [۳] ص. تصویر، عکس، [۵۹] ص.: نمونه* در مارک ایران به‌صورت زیر در می‌آید:

نمونه 5c [۳] ص. تصویر، عکس [۵۹] ص. #5a 215 عبارت* [۲۰۱] ص.: مصور، نمونه، عکس (که همانگونه که در بالا ذکر شد باید: مصور، عکس، نمونه باشد) نیز در مارک ایران به‌صورت زیر، رمزگذاری می‌شود:

مصور، عکس، نمونه 5c [۲۰۱] ص. #5a 215 اکنون اگر از رایانه بخواهیم کتاب‌هایی را که دارای عکس هستند از پایگاه داده‌ها انتخاب کند به دلیل اینکه رایانه فقط فیلد فرعی 5c را برای تصاویر جستجو می‌کند، چون تصاویر، در رکورد اول در فیلد فرعی 5c قرار گرفته است، این رکورد را بازیابی نخواهد کرد. این نقیصه فقط در صورتی جبران خواهد شد که رایانه برای جستجوی بولی یا هر تعداد فیلد فرعی برنامه‌ریزی شده باشد، اما اگر در این مورد، فقط قاعده 2.5C8 در انگلومرینک که در بالا به آن اشاره شد اعمال شود حتی به این برنامه‌ریزی، دست کم در این سطح دقت، نیاز نخواهد بود. در صورت به‌کارگیری این قاعده نیز باید در مارک ایران مشخص شود که عبارت* [۱۲۵] ص. [۱۱]

برگزیده از دیگر کتابخانه‌ها باشد. پیاده‌سازی مارک ایران به هزمی جزم در سطح ملی نیاز دارد زیرا مارک ایران، مارک ملی ایران است و به تلاش و کوششی در این سطح احتیاج دارد.

منابع

۱. صدیق بهزادی، ماندانا. *دستنامه قواعد فهرست‌نویسی*. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۷۳.
 ۲. *قواعد فهرست‌نویسی انگلوسریکن*. انجمن کتابداران آمریکا... [و دیگران] ترجمه رحمت‌الله فتاحی. مشهد: آستان قدس رضوی، معاونت فرهنگی، ۱۳۷۱.
 ۳. مارک ایران. تدوین کمیته ملی مارک ایران. تهران: کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۸۱.
- تاریخ دریافت: ۸۲/۲/۲۸

فهرست‌نویسی سنتی مطرح است و در مارک ایران وجود دارد به دانشجویان آموزش دهند.

کتابخانه ملی باید چاره‌ای برای تصاویری که در مارک ایران تصویر به حساب می‌آیند، اما در فهرست‌نویسی سنتی تصویر محسوب نمی‌شوند بیندیشد. همان‌گونه که مشاهده شد در مارک ایران گودی برای جدول در نظر گرفته نشده است. بنابراین، این چاره‌اندیشی باید شامل مواردی نیز بشود که در مارک ایران، تصویر به حساب نمی‌آیند اما در کتابشناسی ملی، تصویر شمرده می‌شوند.

و سرانجام، تشکیل کمیته ملی فهرست‌نویسی در کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، علاوه بر کمیته دائمی مارک ایران ضروری‌ست. این کمیته باید متشکل از فهرست‌نویسانی از کتابخانه ملی و فهرست‌نویسانی